

نقص نیروهای امنیتی افغانستان مبتنی بر طراحی امریکا

برپایی یک نیروی مؤثر، مستقل و به سبک غربی امنیت ملی در افغانستان - کشوری بزرگ و فقیر با جمعیتی دور از جمعیت روستایی که در آن وفاداری‌های قبیله‌ای، قومی و منطقه‌ای بسیار بیشتر از هر ظاهری از هویت ملی است کار

بسیار دشواری خواهد بود و اکنون کاملاً واضح است که ایالات متحده و متحدان ائتلافش در این تلاش شکست خوردند. «باروسلاو تروفیموف» [۱۰] از وال استریت ژورنال توضیح می‌دهد که ارتش افغانستان اساساً به گونه‌ای طراحی شده بود که بیش از حد به ایالات متحده متکی باشد و بنابراین طراحی شده بود که بدون آن شکست بخورد.

«جک دتس» [۱۱] از فارین پالیسی گزارش می‌دهد که بدون نیروهای امریکایی، پیمانکاران امریکایی عمده‌تأ از افغانستان خارج شده‌اند و نیروهای افغان را از سرویس‌های اطلاعاتی و نگهداری ضروری محروم کرده‌اند که برخی از آنها برای حفظ دارایی‌های هوایی افغانستان حیاتی بودند.

علاوه بر این، همان‌طور که تروفیموف خاطر نشان می‌کند، پس از اعلام و آغاز عقب‌نشینی ایالات متحده امریکا، نیروهای افغان در سراسر کشور بیش از حد گسترش یافتند:

«زمانی که نیروهای ایالات متحده هنوز در اینجا فعالیت می‌کردند، دولت افغانستان به دنبال به حداکثر رساندن حضور خود از طریق حومه دوردست کشور بود و بیش از ۲۰۰ پایگاه را حفظ می‌کرد که فقط از طریق هوا می‌توانستند تأمین شوند. گسترش عملیات دولت به بیش از ۴۰۰ ولسوالی افغانستان از دیرباز ستون اصلی استراتژی ضد شورش امریکا بوده است.»

مایک جیسون، سرهنگ بازنشسته ارتش ایالات متحده، که یکی از افسران بی‌شماری بود که برای آموزش نیروهای امنیتی در عراق و افغانستان کار می‌کرد، در آتلانتیک به این نکته اشاره می‌کند که چگونه این نیروها هیچ ستون فقرات نهادی نداشتند:

«ما با موفقیت، نیروهای عراقی و افغانی را به عنوان نهادهایی ساختیم. ما نتوانستیم زیرساخت‌های لازم را ایجاد کنیم که به طور مؤثر با آموزش نظامی، آموزش، سیستم‌های پرداخت، پیشرفت شغلی، پرسنل، مسئولیت‌پذیری همه چیزهایی که یک نیروی امنیتی حرفه‌ای می‌سازد، سروکار داشته باشد. با چرخش تیم‌ها از طریق تورهای شش ماهه تا یک ساله، ما نتوانستیم مشکلات آزاردهنده‌ای را که ارتش و پلیس عراق و افغانستان با آن روبه‌رو هستند حل کنیم: فساد عمومی، کاهش روحیه، مصرف بی‌رویه مواد مخدر، تعمیر و نگهداری نامناسب و تدارکات نامناسب. ما در آماده‌سازی جوخه‌ها و شرکت‌ها برای انجام حملات و عملیاتی کردن پست‌های بازرسی بسیار خوب بودیم، اما کمی پشت سر آنها کار نکردیم. شاهد مثال این است که امروزه بهترین نیروها در افغانستان کماندوهای نیروهای ویژه هستند، تیم‌های کوچکی که شجاعانه و باشکوه عمل می‌کنند اما با وجود یک نهاد حمایت‌کننده، نه به خاطر یک نهاد. جیسون می‌افزاید که ارتش ایالات متحده «می‌تواند و باید برای فروپاشی نیروهای امنیتی در افغانستان مقصر شناخته شود» و آنچه برای نیروهای افغان اتفاق افتاده او را شب‌ها بیدار نگه می‌دارد. او می‌نویسد: «بیش از ۲۰ سال است که بدون توجه به آنچه گزارش شده است، آنچه در سرفصل‌ها می‌خوانیم، تلاش‌ها برای ایجاد و آموزش نیروهای امنیتی متعارف در مقیاس بزرگ در افغانستان و عراق عمدتاً یک مخفف بی‌هدف بوده است. سوپ آزمون و خطا که هرگز به تلاشی اصلی تبدیل نشد و ما مقصر آن هستیم.»



پی‌نوشت:

- [1] <https://nymag.com/intelligencer/2021/08/why-afghans-security-forces-suddenly-collapsed.html>
- [2] Chas Danner
- [3] Vanda Felbab-Brown
- [4] Foreign Affairs
- [5] Stephen Biddle
- [6] Jack Watling
- [7] Carter Malkasian
- [8] Susannah George
- [9] Mark Kimmitt
- [10] Yaroslav Trofimov
- [11] Jack Detsch

شماره ۲۱